

## مسئولیت مدنی محیط‌بازان و جنگل‌بانان

خدیجه شیروانی<sup>۱</sup>، رویا زند و کیلی<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری  
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه شهید مطهری

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۶

## Civil Liability of the Environment Guards and Rangers

Khadije Shirvani<sup>\*1</sup>, Roya Zandvakili<sup>2</sup>

1. Phd Candidate at Tehran Shahid Motahari University  
2. MA Candidate of Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University

Receipt: 10 January 2016; Acceptance: 6 September 2016

### Abstract

Environment and jungles are among the most important blessings that God has laid down, that protect them in throughout the word has become a major concern and many rules to prevent their destruction were applied. For those provisions environment guards and rangers assigned to protect these arenas and prevent their destruction. In keeping with this mission, they have powers that it's two most important includes, at first if they be trained, they will be Justice Officers and second they have the right to carry a gun at work. Sometimes these people cause damage for their around people. These people if make damage, based on the theory of fault are responsible and with considering that they are government employees, according to the civil liability act, if they intentionally or by negligence in the line of duty, cause damages, are responsible for compensation and only the management is responsible, if creation of damages caused by defective its equipment's.

**Keywords:** Forester, Environmental Guards, Ranger, Environment, Civil Liability.

### چکیده

محیط‌زیست و جنگل‌ها از جمله مهم‌ترین نعمت‌های خدادادی‌اند که حفاظت از آن‌ها به دغدغه‌مهی در سراسر دنیا تبدیل و برای جلوگیری از نابودی آن‌ها مقررات زیادی وضع شده است. بهموجب همین مقررات، محیط‌بازان و جنگل‌بانان مأموریت دارند که از این عرصه نگهداری و از نابودی آن‌ها جلوگیری کنند. این افراد در راستای انجام این مأموریت اختیاراتی دارند که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از این‌که اگر آموزش‌های لازم را بیینند ضابط دادگستری شمرده می‌شوند و دیگر این‌که حق دارند هنگام کار، اسلحه حمل کنند. گاهی همین افراد موجب خسارت به اطراف خود می‌شوند که در این صورت بر منای نظریه تقصیر، مسئول هستند و با توجه به این امر که محیط‌بازان و جنگل‌بانان کارمند دولت به شمار می‌آینند، با استناد به قانون مسئولیت مدنی، اگر به عمد یا در اثر بی‌احتیاطی برای انجام وظیفه خسارتی را وارد کنند، خود مسئول جبران این خسارت هستند و فقط در صورتی اداره مسئول است که ایجاد خسارت، ناشی از نقص و سایل آن اداره باشد.

**کلیدواژه‌ها:** جنگل‌بان، گارد محیط‌زیست، محیط‌بازان، محیط‌زیست، مسئولیت مدنی.

\* Corresponding Author: Khadije Shirvani (khadije.shirvani@yahoo.co)

\* نویسنده مسئول: خدیجه شیروانی

## مقدمه

شایسته است در مطالعات علمی توجه شایانی به این مشاغل شود تا قوانین و مقررات مرتبط با این مشاغل شفاف‌سازی شوند که این امر در عمل این مزیت را دارد که قضات با آگاهی بیشتری در این زمینه رأی صادر کنند؛ زیرا دیده شده است با وجود این که یک محیط‌باف ضابط دادگستری بوده و کارت ضابطی خود را همراه داشته است، او را ضابط به شمار نیاورده و بر این مبنای رأی صادر کرده‌اند و نیز با روشن کردن اهمیت چشمگیر این مشاغل، سازمان‌های مربوط در راستای هرچه بهتر شدن شرایط شغلی اشخاصی شاغل در این زمینه، بکوشند. حال پیش از ورود به بحث اصلی و با توجه به این که برای بررسی دقیق‌تر مسئولیت مدنی کارکنان یک شغل، بهتر است روشن شود که در چه موقعیت شغلی قرار دارند، موقعیت محیط‌بافان و جنگل‌بافان را در قوانین کشورمان به‌طور مختصر بررسی می‌کنیم:

## محیط‌بافان و جنگل‌بافان به عنوان کارمند دولت

محیط‌بافان و جنگل‌بافان کارمند دولت شمرده می‌شوند. به‌موجب ماده ۳۲ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و از تاریخ تصویب این قانون، مستخدمین سازمان حفاظت محیط‌زیست از لحاظ استخدامی تابع قانون استخدام کشوری بوده‌اند. شایان ذکر است که محیط‌بافان نیز جزء مستخدمین سازمان می‌باشند و چون طبق قانون استخدام کشوری، به استخدام سازمان حفاظت محیط‌زیست درمی‌آیند و با در نظر داشتن این که کسانی که رابطه حقوقی آنها با دولت، تابع قانون استخدام کشوری یا دیگر قوانین استخدامی است، کارمند دولت شمرده می‌شوند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۴۵۵)، محیط‌بافان نیز کارمند دولت به شمار می‌آیند. پیرو همین استدلال، جنگل‌بافان نیز که به استخدام سازمان جنگل‌ها و مرتع درمی‌آیند، کارمند دولت محسوب می‌شوند و ماده ۵۱ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها با در نظر داشتن این که کارکنان سازمان جنگل‌بافی کارمند دولت شمرده می‌شوند، آنان را از مداخله در معاملات محصولات جنگلی ممنوع کرده است (بندرچی، ۱۳۸۳: ۲۹۳).

## محیط‌بافان و جنگل‌بافان به عنوان ضابط خاص دادگستری

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کفری مصوب ۱۳۹۲ افرادی که ضابط دادگستری هستند را بر شمرده است. بنده این ماده

امروزه بر این نکته تأکید شده که حفاظت از محیط‌زیست به عنوان یکی از وظایفی که بارها در متون دینی و مذهبی آمده، به عهده تک‌تک افراد بشر است. در ایران تا پیش از انقلاب اسلامی بحث محیط‌زیست و حفاظت از آن محدود به قوانین عادی بود، اما پس از انقلاب اسلامی، اهمیت حفاظت از محیط‌زیست در بالاترین سند قانونی کشور، یعنی قانون اساسی، نیز انعکاس یافته است. در همان قوانین عادی پیش از انقلاب نیز این نکته مطرح بود که باید افرادی به صورت تمام وقت در خدمت حمایت از محیط‌زیست و پاسبانی از جنگل‌ها به کارگماشته شوند؛ اما پس از انقلاب برای اجرای بهتر قوانین صید و شکار، حفاظت از محیط‌زیست و جنگل‌ها، قوانین و دستورالعمل‌ها را برابی این افراد بهتر شناسایی کردند. پیرو این قوانین، افرادی به استخدام سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان جنگل‌ها درآمدند تا در منصب محیط‌بافی و جنگل‌بافی از محیط‌زیست و جنگل‌ها نگهداری کنند. ضرورت توجه علمی به شغل محیط‌بافی و جنگل‌بافی به این دلیل است که اجرای نهایی کلیه قوانینی که در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و جنگل‌ها تصویب شده است یا خواهد شد، با محیط‌بافان و جنگل‌بافان است. مسلم است که محیط‌بافی و جنگل‌بافی از جمله مشاغل مهم، حساس و نیز خطرناک شمرده می‌شود؛ چراکه تاکنون بیش از ۱۱۴ نفر در این راه شهید و بیش از ۴۰۰ نفر مجروح شده‌اند. با توجه به این نکته‌ها و همچنین اهمیتی که حفاظت از محیط‌زیست دارد، شایسته است بررسی شود که شغل محیط‌بافی و جنگل‌بافی در قوانین فعلی از چه جایگاه و موقعیتی برخوردار است؟ محیط‌بافان و جنگل‌بافان در هنگام انجام وظیفه چه اختیارات قانونی‌ای دارند؟ مبنای مسئولیت مدنی محیط‌بافان و جنگل‌بافان در حقوق ایران چیست؟ و چه آثاری بر مسئولیت مدنی محیط‌بافان و جنگل‌بافان گذاشته می‌شود؟ تلاش این پژوهش بر آن است که تا حد امکان به این مسائل پاسخ داده شود.

## موقعیت شغلی محیط‌بافی و جنگل‌بافی در قوانین کنونی

محیط‌بافی و جنگل‌بافی از جمله مشاغلی است که نه فقط به‌دلیل تعهد به یک سازمان، بلکه به نسل امروز و نیز آیندگان یک مملکت از حساسیت بالایی برخوردار است؛ بنابراین

باشد و دستورات لازم را به منظور هدایت آن‌ها صادر کند. گفتنی است که ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین را تحت ناظر و تعليمات مقام قضایی قرار داده است (حالفی، ۱۳۸۸: ۸۷).

با توجه به مطالب گفته شده، محیطبانان و جنگلبانان در صورتی ضابط شمرده می‌شوند که دارای شرایط ذیل باشند و اگر هریک از این شرایط متفق باشد، آن مأمور ضابط محسوب نشده و دارای اختیارات و مسئولیت‌های ضابط نیست:

الف. بهموجب ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراعت، مأمورانی از این دو سازمان ضابط شمرده می‌شوند که بهموجب احکام این سازمان‌ها، مأمور کشف و تعقیب جرایم یادشده در این قوانین باشند. درواقع هر دو سازمان، نیروهای انسانی متعددی را در اختیاردارند که نمی‌توان به همه آن‌ها ضابط گفت و فقط جنگلبان، محیط‌بان و محیط‌دار است که ضابط و دارای اختیارات ضابط است؛ زیرا فقط این گروه‌ها هستند که بهموجب قوانین، مأمور کشف و تعقیب جرایم در حوزه استحقاچی خود هستند. بنا بر ماده ۱ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست مصوب ۱۳۷۵، گارد محیط‌زیست از ارشد محیط‌دار، افسر محیط‌دار، محیط‌دار، محیط‌بان، شکاربان (کمک محیط‌بان)، محیط‌بان راننده، اسلحه‌دار، کارشناس و کارдан تکسیین محیط‌زیست است و وظایف هر یک از این افراد به تفکیک در این قانون بیان شده و فقط محیط‌بان و محیط‌دار تشکیل شده است که بهموجب این دستورالعمل مأمور کشف و تعقیب جرایم می‌باشد. ماده ۹ دستورالعمل یادشده وظایف محیط‌بان را بر می‌شمارد که در بند ۴ این ماده مقرر شده است «اقدام درزمنیه کشف جرایم و دستگیری متخلفین بر اساس دستورالعمل‌های صادره». همچنین بند ۳ ماده ۸ ناظرات و اقدام درزمنیه کشف جرایم و دستگیری متخلفین از قوانین و مقررات را از وظایف محیط‌دار دانسته است.<sup>۱</sup>

ب. محیط‌بان و جنگلبان باید در کلاس مخصوص، آموزش‌های لازم را زیر نظر دادستان بینند. مطابق ماده ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «احراز عنوان

۱. با توجه به این که فقط محیط‌بانان و جنگلبانان موضوع بحث ما هستند، سخن درخصوص محیط‌دار از حوصله این بحث خارج است و فقط لازم است ذکر کنیم که با توجه به ماده بیان شده در متن، محیط‌دار هم در صورتی ضابط شمرده می‌شود که آموزش‌های لازم را زیر نظر دادستان بینند.

به مأمورانی اشاره کرده است که بهموجب قوانین خاص در حدود وظایف محلّ، ضابط دادگستری شناخته می‌شوند. محیط‌بانان و جنگلبانان ضابط خاص دادگستری هستند.

بر اساس ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، محیط‌بانان در صورتی ضابط به حساب می‌آیند که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان آموزش دیده باشند. این ماده مقرر می‌دارد «مأموران سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم ذکر شده در این قانون هستند، در صورتی که وظایف ضابط دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان عمومی تعییم گرفته باشند، از لحاظ اجرای این قانون و قانون صید و شکار در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند». جنگلبانان نیز بر اساس ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراعت، ضابط دادگستری شمرده می‌شوند. این ماده مقرر می‌دارد «مأموران جنگلبانی که بهموجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرایم ذکر شده در این قانون می‌شوند، در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می‌شوند و از این جهت تحت تعليمات دادستان محل، انجام وظیفه خواهند کرد». در تبصره ۱ این ماده در خصوص گزارش خلاف واقع آمده است «در صورتی که مأموران ذکر شده برخلاف واقع به منظور نفع شخصی و با اعمال غرض، گزارشی خلاف واقع بدنه، به کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده است، محکوم می‌شوند». همچنین بر اساس تبصره ۲، «مأمورین کشف و تعقیب جرایم که از طرف سازمان جنگلبانی تعیین می‌شوند، از حیث اجرای این قانون وقتی ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص تعیین دیده باشند». درواقع شرایط و اوضاع واحوال ارتکاب برخی از جرایم، از جمله جرایم ارتکابی در محیط‌زیست و جنگل‌ها، به نحوی است که معمولاً ضابطین عام در محل وقوع جرم حضور ندارند و به همین دلیل است که قانون به منظور اقدام به موقع در کشف جرم و جمع آوری آثار و دلایل آن، مأموران محیط‌زیست و جنگلبانی را ضابط شناخته است.

ضابطین دادگستری اختیارات و وظایف مهمی را بر عهده‌دارند که اجرای صحیح آن‌ها می‌تواند در پیشگیری، کشف جرم، حفظ دلایل و آثار آن، دسترسی به مرتكب و در صورت آغاز شدن تعقیب، در تشکیل پرونده‌ای کامل و روشن بسیار مؤثر باشد. به همین دلیل ضروری است که مقام قضایی بر چگونگی انجام وظایف آن‌ها نظارت داشته

دغدغه همه کسانی که در این زمینه نظریه پردازی می‌کنند، این نیست که چگونه باید خسارات وارد را جبران کرد، بلکه این است که چه باید کرد تا به محیط‌زیست آسیبی نرسد؛ زیرا هنگامی که آسیبی به محیط‌زیست وارد می‌شود یا جبران پذیر نیست و یا این که مدت زمان بسیار طولانی لازم است تا دوباره احیا شود؛ مثلاً وقتی جنگل‌ها و مراعت تخریب شوند، هرگونه برخورد با متخلفین و حتی کیفر دادن آن‌ها نیز هرگز وضع محیط‌زیست و جنگل‌ها را به گذشته بازنمی‌گرداند. یا هنگامی که هوا آلوده می‌شود، هرگونه اقدامی ممکن است حتی نقش یک التیام‌بخش را ایفا نکند. امر مهم این است که هوا آلوده نشود، جنگل‌ها خسارت نبینند، حیوانات قربانی دست شکارچیان نشوند و غیره. هر درختی که قطع شود دیگر برگشتنی نیست؛ بنابراین هرگونه اقدام بعدی وضع را به حالت قبلی بازنمی‌گرداند؛ پس باید به دنبال روش‌هایی بود که ضامن پیشگیری از انهدام محیط‌زیست باشند.

هرگونه تلاش و سرمایه‌گذاری در این بخش می‌تواند بیش از هر چیزی به این امر کمک کند و سلامت را برای کره زمین به ارمغان بیاورد (قوام، ۱۳۷۵: ۴۲). البته در این راستا مسئول شناختن متخلفین و الزام آن‌ها به جبران خسارت که ممکن است نقش تنبیه‌ی داشته باشد، ممکن است مؤثر باشد و مانع از تحقق خسارت شود. در اینجاست که اهمیت حقوق محیط‌زیست و بهخصوص محدوده مسئولیت مدنی زیست‌محیطی آشکار می‌شود.

در خصوص این پرسش که در حقوق ایران مبنای مسئولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی چیست؟ علمای این حوزه به اتحاد نظر نرسیده‌اند. بر اساس آنچه گفته شده است، نظریه غالب در حقوق ایران و فرانسه نظریه تصریب است. نظریه‌ای که اگر به طورکلی در جبران خسارات وارد بر محیط‌زیست ناتوان نباشد، در بسیاری از زمینه‌ها اثبات را مشکل می‌نماید (فهیمی و مشهدی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). برخی دیگر نیز با بررسی قوانین مربوط به محیط‌زیست و اصل ۵۰ قانون اساسی که برای همگان تکلیف بر حفاظت از محیط‌زیست را مقرر می‌دارد، به این نتیجه رسیده‌اند که در حقوق ایران مبنای مسئولیت زیست‌محیطی نظریه محض است. به عنوان نمونه، تبصره اول ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مقرر می‌دارد که صاحبان و مسئولان این گونه کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده‌کننده مکلف به پرداخت زیان وارد شده به محیط‌زیست و اشخاص

ضابط دادگستری، افزون بر مورد اعتماد بودن، درگرو فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و دریافت کارت ویژه ضابطان دادگستری است. تحقیقات و اقداماتی که اشخاص بدون این کارت انجام داده‌اند، منمنع و از نظر قانونی بدون اعتبار است. همچنین طبق ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست و نیز ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها، مأمورانی ضابط شمرده می‌شوند که وظایف ضابطین دادگستری را زیر نظر دادستان عمومی تعیین بینند. پس باید توجه داشت که محیط‌بافان و جنگل‌بافان به محض این که استخدام شدند و عنوان محیط‌بافی و جنگل‌بافی را دریافت کردند، نمی‌توان گفت ضابط نیز به شمار می‌آیند، بلکه با توجه به مواد استثنایی، درصورتی ضابط شمرده می‌شوند که زیر نظر دادستان تعییمات لازم را بینند. بنا بر ماده ۱۶ این دستورالعمل «افرادی که دوره ضابط دادگستری را با موقیت گذرانده و کارت ضابط دادگستری را دریافت نموده‌اند، موظف‌اند علامت ضابطی دادگستری را روی لباس، بالای بازوی راست نصب کنند». پس محیط‌بافان و جنگل‌بافان باید دوره‌های آموزشی مقرر را بگذرانند و کارت ضابط دادگستری را دریافت کنند تا ضابط به شمار آیند، در غیر این صورت گزارشی که آن‌ها به مراجع قضایی می‌دهند، فقط ارزش شاهد واحد را دارد.

## مبنای مسئولیت مدنی محیط‌بافان و جنگل‌بافان

به طور کلی، موضوع مسئولیت مدنی زمانی مطرح می‌شود که بتوان ورود زیان را به یک شخص حقیقی یا حقوقی مرتبط کرد؛ لذا الزام عامل ورود زیان به جبران خسارت به این لحاظ است که تحقق یافتن زیان متنسب به او باشد. به‌این ترتیب، منظور از مبنای مسئولیت آن است که این انتساب بر چه مبنایی صورت می‌گیرد؟ یا عامل ورود زیان بر چه مبنای شناسایی می‌شود؟

روشن است، هنگامی که سخن از محیط‌زیست و اهمیت آن به میان می‌آید، منظور اصلی و درواقع مهم‌ترین

۲. شعبه سوم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۰۲۹/۲۸/۱۳۲۷، اظهار داشته است که: «مأموران جنگل‌بافی به دلیل این که جزء ضابطین دادگستری به حساب می‌آیند، نمی‌توانند عنوان شاکی خصوصی داشته باشند». با توجه به این گفت محتاط بانان نیز به دلیل ضابط بودن، شاکی خصوصی محسوب نمی‌شوند.

مشاغل در جمهوری اسلامی ایران باشد (شیروانی، ۱۳۹۲: ۸۵).

با توجه به این وضعیت، به نظر می‌رسد اگر بخواهیم در خصوص خساراتی که محیط‌بازان و جنگل‌بازان به بار می‌آورند، به نظریهٔ مسئولیت محض که مبنای منتخب پژوهشگران در حوزهٔ خسارات زیست‌محیطی است، قائل باشیم، از عدالت فاصله گرفته‌ایم. البته نمی‌توان منکر این امر بود که محیط‌بازان و جنگل‌بازان خاطی باید پاسخ‌گو باشند، اما اگر به این امر توجه شود که چون محیط‌بازان و جنگل‌بازان بیشترین زمان شبانه‌روز را در محیط‌زیست و جنگل‌ها می‌گذرانند و گاهی آسیب رساندن به محیط‌زیست و اجزای آن لازمهٔ کار آن‌هاست، نظریهٔ تقصیر بهتر می‌تواند به وضعیت شغلی محیط‌بازان و جنگل‌بازان برای مسئول شناختن آن‌ها کمک کند، چراکه مطابق این نظریه، در صورتی می‌توان آن‌ها را مسئول شناخت که مقصّر به حساب آیند؛ یعنی تقصیر کرده باشند و از حدود اختیارات خود فراتر رفته باشند؛ بنابراین فرد زیان‌دیده افزون بر این که باید خسارتی که محیط‌بازان و جنگل‌بازان وارد آورده است، اثبات کند، باید این امر را نیز ثابت کند که وی مرتكب خطایی قابل سرزنش شده است.

چنان‌که گفته شد، محیط‌بازان و جنگل‌بازان کارمند دولت شمرده می‌شوند و بنابراین هنگامی که سخن از مسئولیت مدنی کارمندان دولت به میان می‌آید، به مادهٔ ۱۱ قانون مسئولیت مدنی استناد می‌شود و با توجه به مطالب گفته‌شده در خصوص محیط‌بازان و جنگل‌بازان، استناد به این ماده موچه می‌نماید؛ چراکه این مادهٔ مسئولیت مدنی کارمندان دولت را بر اساس تقصیر پیش‌بینی کرده است.

درواقع مادهٔ ۱۱ قانون مسئولیت مدنی بیان می‌دارد که در چه شرایطی کارمند مسئول و در چه شرایطی دولت است؟ در صورتی که کارمند مرتكب خطا شده و در انجام وظایف خود تقصیری کرده باشد، کارمند مسئول است؛ اما اگر تقصیر و بی‌احتیاطی در میان نباشد، بلکه به هر دلیل دیگری، از جمله نقص وسائل اداره، خسارت وارد شده باشد، اداره مسئول است (قربانی، ۱۳۸۸: ۱۳). بخش اوّل این ماده از خطا شغلی سخن گفته است. حقوق‌دانان خطای شغلی را به این نحو تعبیر کرده‌اند: «خطایی که در هنگام انجام حرفة معین به وجود می‌آید، مثل خطای وکیل

<sup>۳</sup>. در این نوشتار به تعدادی از مهم‌ترین این تقصیرها اشاره شده است.

حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالح هستند. افزون بر این، در تمام مواردی که قانونگذار در قوانین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست از واژه‌هایی مانند «منوع است» استفاده کرده و به طورکلی در هر مورد که قانونگذار انجام عملی را نهی کرده است، انجام عمل نهی شده، باعث مسئولیت است و زیان‌دیده فقط باید وقوع خسارت و رابطه سببیت را اثبات کند و دیگر نیازی به اثبات تقصیر یا بی‌بالاتی عامل خسارت نیست (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۶). همچنین گفته شده است که نظریهٔ احترام اموال که جامع دو نظر اتلاف و لاضر است، بهترین نظریه در باب مسئولیت زیست‌محیطی در فقه و حقوق ایران است. بر اساس خلاصه این نظریه، اگر بتوان رابطهٔ سببیت را اثبات کرد، مسئول زیان طبق قاعدهٔ اتلاف، مسئول جبران زیان است و برای استناد به رابطهٔ سببیت نیز استناد عرفی زیان کافی است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، جایی که امکان صدق اتلاف بر فعل عامل زیان وجود دارد، می‌توان به مسئولیت او حکم داد و در جایی هم که امکان صدق اتلاف وجود ندارد، بر اساس نظریهٔ احترام اموال می‌توان حکم به مسئولیت عامل زیان داد (فهیمی، ۱۳۹۱: ۷۵). درواقع نظریهٔ احترام اموال همسو با نظریهٔ مسئولیت محض است.

شایان ذکر است، سرانه زمینی که باید محیط‌بازان و جنگل‌بازان از آن پاسداری کنند، چهار یا پنج برابر سرانه استنادار زمین در جهان است. گفتنی است، شغل محیط‌بازان و جنگل‌بازان یکی از مشاغل پرخطر کشور است، زیرا افزون بر این که هر لحظه امکان رویارویی با حیوانات وحشی برای آن‌ها وجود دارد، به همین نسبت همیشه امکان روپرور شدن آن‌ها با شکارچیان و صیادان مسلح غیرمجاز نیز هست. سلاحی که به محیط‌بازان و جنگل‌بازان از طرف سازمان و به موجب قانون سپرده می‌شود، سلاح سازمانی «میان برد» است که در مقابل سلاح‌هایی که شکارچیان (دوربرد، دوربین‌دار و سلاح‌های نظامی)، کارایی بسیار پایینی دارد. به هر حال نفس اعطای اسلحه نشان از رسیک بالای این مشاغل دارد، چراکه داشتن اسلحه باعث تحریک طرف مقابل نیز می‌شود. مطابق آمار، از ابتدای تأسیس سازمان‌های حفاظت از محیط‌زیست و جنگل‌ها و مراتع تاکنون ۱۲۰ تن محیط‌بازان و ۴۲۰ تن جنگل‌بازان به دست شکارچیان و قاچاقچیان مسلح غیرمجاز کشته شده‌اند و در حدود چهار برابر این ارقام زخمی و معلول شده‌اند؛ بنابراین به نظر می‌رسد محیط‌بازان و جنگل‌بازان یکی از پر مخاطره‌ترین

خسارت کند با شخص زیان دیده است. اما در رابطه بین مسئولان، انتخاب زیان دیده قاطع نیست. زیانی که به بار آمده است به نسبت دخالتی که هر کدام در ایجاد خسارت داشته و درجه تقصیری که مرتکب شده‌اند، بین آن‌ها تقسیم می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۵۸). برای نمونه اگر سازمان محیط‌زیست برای محیط‌بازان که باید به موجب قوانین، برای استفاده از سلاح تعليمات مخصوص بییند، اقدامات لازم را انجام ندهد و محیط‌بازان در اثر بی‌اطلاعی از چگونگی به کارگیری سلاح، خسارتی به محیط یا اشخاص ثالث وارد کند، در اینجا سازمان در مقابل زیان دیده مسئول است. در همین نمونه اگر محیط‌بازان، خود نیز در به کارگیری سلاح مرتکب تقصیر شود، مثلاً هنگام تیراندازی ترتیبی را که قانون به کارگیری سلاح مقرر داشته است، رعایت نکند، هم سازمان مسئول است و هم کارمند خاطری؛ زیان دیده به هریک که بخواهد می‌تواند رجوع کند و درنهایت زیانی که به بار آمده است، به نسبت دخالتی که هر یک داشته‌اند، بر عهده آن‌ها قرار می‌گیرد.

## ارکان مسئولیت مدنی محیط‌بازان و جنگل‌بازان

برای تحقیق مسئولیت مدنی محیط‌بازان و جنگل‌بازان، سه رکن یا شرط اساسی ضروری است که در صورت فقدان یکی از این سه شرط مسئولیت مدنی محقق نمی‌شود. این سه شرط عبارت‌اند از: ضرر، فعل زیان‌بار، رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار و ضرر وارد (همان: ۲۱۶).

### ضرر

ضرر رکن اصلی مسئولیت مدنی است. اگر ضرر وجود نداشته باشد امکان اقامه دعوای مسئولیت مدنی وجود ندارد. قانون مدنی این امر را در هیچ متنی به صراحت بیان نکرده، به این سبب که وجود ضرر در تحقیق مسئولیت مدنی جزو بدیهیات حقوقی است و کسی که ضرری ندیده است حقی هم برطرف پیدا نمی‌کند (همان: ۲۱۸).

بعضی از فقهاء ضرر را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «ضرر عبارت است از نایاب شدن آنچه انسان دارا است، از جمله جان، مال، آبرو و اعضای بدنیش» (نانینی، ۱۴۱۸: ۳۷۸). ضرر وارد بر محیط‌زیست را می‌توان بر حسب متعلق آن به انواع مختلف تقسیم کرد و مراد از متعلق ضرر، آن چیزی

در دفاع و دادرس در صدور حکم و پژوهش در معالجه و عمل جراحی و...؛ دراقع خطای شغلی از نقض اصول و قواعد موضوعی و متعارف هر شغل به وجود می‌آید، مانند این‌که حرفه را به طور نامشروع انجام دهنده، یعنی از روش فنّی متعارف مطابق اصول مسلم آن شغل تجاوز کند (بهادری جهرمی و رستمی، ۱۳۹۱: ۶).

بخش دوم ماده ۱۱ مقرر می‌دارد «هرگاه خسارات وارد مستند به عمل آن‌ها نبوده و مربوط به نقض وسائل ادارات و مؤسّسات مربوط باشد، در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسّسه مربوطه است...». به این مسئولیت، مسئولیت ناشی از تقصیر اداری می‌گویند. مقصود از نقض وسائل که در این ماده آمده، این است که اداره مجهر به وسائل، یعنی تدبیر، ترتیبات و روش‌های صحیح اداری، برای انجام کار نبوده و این امر موجب بدی سازمان، سوء جریان اداری و درنهایت ایجاد خسارت شده است. به عبارت دیگر، ادارات در تجهیز خود به وسائل صحیح کار که وجود یک تشکیلات و مدیریت صحیح و منظم آن را ایجاد می‌کند، مرتکب تقصیراتی شده باشند (قربان نیا، ۱۳۸۸: ۱۴). برای نمونه اگر اسلحه سازمانی که در اختیار محیط‌بازان و جنگل‌بازان قرار می‌گیرد، نقض فنی داشته باشد و در اثر این نقض به محیط‌زیست یا اشخاص ثالث خسارتی وارد شود، بر حسب این مورد، سازمان محیط‌زیست یا سازمان جنگل‌ها مسئول هستند.

بنا بر آنچه گفته شده است، از ظاهر ماده ۱۱ نباید چنین نتیجه گرفت که دولت فقط در صورتی موظف به جبران خسارت اشخاص است که نقض وسائل اداری تنها علت ورود زیان باشد؛ درست است که ماده ۱۱ به شرطی دولت را مسئول می‌شناسد که خسارات وارد به اشخاص را نتوان مستند به عمل کارکنان کرد، اما این گفته به معنی معاف بودن دولت از تقصیرهای اداری نیست. قانون‌گذار می‌خواهد دولت را مسئول نقض سازمان خود و کارمند را پایین‌دست خطاها خویش سازد. اگر در شرایطی که تقصیر اداری و شخصی باعث ورود زیان شده است، فقط کارمند مسئول قرار داده شود، به منزله این است که کارمند موظف به جبران خسارتی باشد که او به بار نیاورده است؛ بنابراین اگر خطا هم ناشی از عمل کارمند باشد و هم نقض اداره، زیان دیده می‌تواند به هر دو مراجعه کند. در شرایطی که به دلیل جمع تقصیر اداری و شخصی، دولت و کارمند هر دو مقصر باشند، تعیین شخص یا مقامی که باید جبران

دادگستری شمرده می‌شوند و حق حمل سلاح را دارند، محیطبانان نیز از نظر قانون دارای چنین حقی هستند، چراکه به موجب ماده ۳۲ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست مصوب ۱۳۵۴، افراد گارد محیطزیست به سلاح مناسبی که نوع آن با موافقت وزارت دفاع تعیین می‌شود، مجهز می‌گردند. طبق ماده ۲۶ دستورالعمل خدمتی گارد محیطزیست، مأموران گارد محیطزیست برای انجام وظایف محوله، بنا به تشخیص مدیر یا سرپرست مربوطه سلاحی را که قانون سازمان در اختیار آنان قرار می‌دهد، حمل می‌کنند. مطابق تبصره همین ماده، سلاح در اختیار کسانی قرار می‌گیرد که مراجع مربوط صلاحیت حمل سلاح آنان را تأیید کرده باشد. همین قانون در ماده ۲۷، در خصوص چگونگی به کارگیری سلاح توسط مأمورانی که ضابط دادگستری به شمار می‌آیند (محیط‌دار و محیط‌بان)، مقرر می‌دارد: «آن دسته از مأموران سازمان که ضابط دادگستری می‌باشند، صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای وظایف محوله برای کشف و تعقیب جرایم مسلح در قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست در شمار نیروهای مسلح موضوع ماده یک (قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری)، محسوب و در چارچوب و موازین دقیق قانون ذکر شده، حق استفاده از سلاح سازمانی را دارند».

بر اساس این ماده، محیطبانان در هنگام انجام وظایفی که ماده ۹ دستورالعمل خدمتی گارد محیطزیست آن‌ها را بر شمرده است، از جمله اجرای قوانین و مقررات حفاظت و بهسازی محیطزیست، شکار و صید، جلوگیری از تخریب و تجاوز به منابع طبیعی تحت کنترل سازمان، جلوگیری از شکار و صید غیرمجاز، تنظیم صورت مجلس و معرفی متخلّفین به مقامات ذی صلاح و غیره، حق به کارگیری سلاح را دارند.

همان‌گونه که ماده ۲۷ این دستورالعمل نیز یادآور شده است، محیطبانان هنگام انجام این وظایف در شمار نیروهای مسلح هستند و هنگام به کارگیری سلاح باید مقرر اتی را که قانون نحوه به کارگیری سلاح برای مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری یادآور شده است، رعایت کنند. ماده ۳۳ آیین نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیطزیست، در خصوص بند ۲ ماده ۲ این قانون درباره آموزش‌های لازم برای انجام مأموریت‌های محول شده به فرد حامل سلاح، سازمان محیطزیست را مکلف

است که موضوع کاستی و نقصان قرار می‌گیرد. متعلق ضرر می‌تواند مال یا حقوق مالی باشد که به ضرر مالی یا مادی تعییر می‌شود، یا ممکن است جسم باشد که به ضرر جسمی یا بدنی تعییر می‌شود. مقصود از ضرر مالی، هر کاستی و نقصانی است که دیگر بر مال یا حقوق مالی شخص برخلاف میل و اراده او وارد می‌کند. برای تحقیق ضرر مادی لازم نیست که زیان دیده مالک مال باشد، بلکه اگر حق مالی نسبت به آن داشته باشد، نیز ضرر محقق می‌شود (باریکلو، ۱۳۸۵: ۶۱).

ضرر جسمی عبارت است از هر نوع کاستی و نقصانی که بر تمامیت جسمی شخص وارد می‌شود و مخصوص شخص حقیقی است؛ چراکه شخص حقوقی وجود واقعی ندارد و وجود آن اعتباری است و ورود ضرر جسمی به آن از نظر موضوع متفاوت است (همان: ۶۹).

خساراتی را که محیطبانان و جنگلبانان در حین کار به بار می‌آورند، بیشتر از نوع خسارات مالی و بدنی است. در ادامه مصادیقی از این خسارات را بررسی می‌کنیم:

الف. خسارات جسمی: خسارات جسمی و بدنی از شایع‌ترین خساراتی است که محیطبانان و جنگلبانان در حین فعالیت ممکن است به بار بیاورند. این امر بیشتر در رویارویی با شکارچیان مسلح و قاچاقچیان چوب و الار جنگلی به وقوع می‌پیوندد. در این زمینه می‌توان به پرونده دو محیط‌بان منطقه دنا (اسعد تقی زاده، غلامحسین خالدی) اشاره کرد که با شلیک گلوله منجر به مرگ دو شکارچی شدند، دادگاه‌های بدوي حسب مورد حکم قصاص این دو را صادر کردند، بدون این که شرایط منطقه، مسلح بودن شکارچیان و قاچاقچیان، غیرقانونی بودن عمل آن‌ها و شرایط دفاع مشروع از جانب محیط‌بان و جنگلبان را در نظر بگیرند (شیروانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

به هر حال مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، محیطبانان و جنگلبانان اگر در حین انجام وظیفه خساراتی به بار بیاورند، خود باید جبران کنند. با توجه به اهمیت انکارنشدنی این موضوع، بهتر است این امر روشن شود که محیطبانان و جنگلبانان به موجب قانون، حق حمل سلاح را دارند. مطابق ماده ۲۲ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، در صورت لزوم برای حفظ و حراست جنگل‌ها و مراتع، در سازمان جنگل‌بانی، سازمانی به نام گارد مسلح جنگل از افسران، درجه‌داران و افراد ارتش تشکیل می‌شود. با توجه به این ماده و این‌که جنگل‌بانان ضابط

### مراکز درمانی برسانند».

ب. آسیب رساندن به حیوانات: این خسارت اگر در مقابل حیوانات وحشی دفاع مشروع تلقی نشود، مطابق قوانین حفاظت محیط‌زیست و جنگل‌ها و مراعع موجب مسئولیت آن‌ها می‌شود. بر اساس ماده ۲۸ دستورالعمل خدمتی گارد حفاظت محیط‌زیست، افزون بر موارد یادشده، محیط‌بازان در برابر حمله حیوانات وحشی نیز مجاز به استفاده از سلاح هستند، البته در صورتی که امکان توسل به وسائل و شیوه‌های دیگر برای نجات وجود نداشته باشد. بر اساس ماده ۱۲ قانون شکار و صید، شکار و صید حیوانات حمایت شده بدون پروانه، یکی از مصادیق تخریب محیط‌زیست شمرده می‌شود؛ بنابراین آسیب رساندن به حیوانات توسط محیط‌بازان و جنگل‌بازان ممکن است شکار، زنده‌گیری و عدم رسیدگی به موقع به آن‌ها در مواردی که قانون مقرر داشته است را شامل شود. برای نمونه بند ۲ ماده ۹ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست، یکی از وظایف محیط‌بازان را مقرر می‌دارد: «باید از بیماری و مرگ و میر جانوران وحشی آگاهی حاصل کنند و این امر را به مقام مافوق خود گزارش دهند»؛ بنابراین اگر محیط‌بازان به این وظیفه عمل نکند در مقابل دولت مسئول است.

ج. خسارت زدن به دیگر اجزای محیط‌زیست و جنگل‌ها: از جمله زمین، درختان، آلوده کردن آب، آتش زدن بناهای در جنگل‌ها و مراعع، حمل غیرقانونی هیزم و چوب و دیگر موارد. به موجب ماده ۲۱ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و تبصره ۴ ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراعع، اگر مأموران سازمان محیط‌زیست و نیز سازمان جنگل‌بازان مرتکب این جرائم شوند، به حدّاًکثر مجازات مقرر محکوم می‌شوند.

### وقوع فعل زیان‌بار از سوی محیط‌بازان و جنگل‌بازان

یکی دیگر از ارکان مسئولیت مدنی انجام فعل زیان‌بار محیط‌بازان و جنگل‌بازان است. محیط‌بازان و جنگل‌بازان هنگامی در مقابل دیگری مسئول شناخته می‌شود که عمل زیان‌باری را بتوان به او نسبت داد. در ادامه برخی از ویژگی‌های فعل زیان‌بار را بررسی خواهیم کرد.

### انجام فعل زیان‌بار

فعل زیان‌بار ممکن است به صورت انجام عمل مثبت و

کرده است که دوره‌های آموزشی لازم را برای مأمورانی که باید در گارد محیط‌زیست انجام وظیفه نمایند، برگزار کنند؛ بنابراین با توجه به حساسیت به کارگیری اسلحه، اگر محیط‌بازان یا جنگل‌بازان یکی از این شرایط را نداشته باشد، حق به کارگیری سلاح را ندارد و در صورتی که به‌این ترتیب خسارتی را به بار آورد، مقصّر شناخته می‌شود.

مطابق ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح، محیط‌بازان و جنگل‌بازان در این شرایط حق به کارگیری سلاح را دارند: ۱. برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله کند؛ ۲. برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌کنند، البته اگر اوضاع و احوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح دفاع شخصی امکان نداشته باشد؛ ۳. در صورتی که مأموران ببینند که به یک یا چند نفر حمله شده و جان آنان در خطر است؛ ۴. برای دستگیری دزد و راه‌هنر و کسی که دست به ترور یا تخریب و یا انفجار زده و در حال فرار است؛ ۵. برای حفظ سلاحی که برای انجام مأموریت در اختیار آنان گذاشته شده است. بنابراین هنگامی که محیط‌بازان یا جنگل‌بازان باعث ورود خسارت جسمی، از جمله مرگ یا نقص عضو شخصی شوند، قضات باید این ماده را در نظر بگیرند و در صورتی که محیط‌بازان یا جنگل‌بازان در غیر شرایط اشاره شده در ماده ۳ این قانون، دست به اسلحه شده، از این راه خسارتی وارد کند، وی را مسئول بستانسند. افزون بر این، محیط‌بازان یا جنگل‌بازان باید ترتیبی را که تبصره ۳ این ماده در خصوص به کارگیری سلاح مقرر داشته است، رعایت کند و در غیر این صورت مسئول است.

تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح ترتیبی را که مأموران هنگام به کارگیری سلاح باید رعایت کنند، بیان کرده است: «مأموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجاز به استفاده از سلاح هستند که اوّلاً چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان این مراتب را رعایت کنند: (الف) تیر هوایی؛ (ب) تیراندازی کمر به پایین؛ (ج) تیراندازی کمر به بالا. همچنین مطابق ماده ۷ همین قانون، مأموران هنگام به کارگیری سلاح باید تا جایی که امکان دارد، پا را هدف قرار دهند و مراقب باشند که اقدام آن‌ها منجر به فوت نشود و به اشخاص ثالث که دخیل در ماجرا نیستند، آسیب نرسد». بر اساس تبصره این ماده: «مواظبت و مراقبت از حال مجروحان بر عهدۀ مأموران انتظامی است و باید در اوّلین فرصت آنان را به

### فعل اشیا

در خصوص فعل حیوان و فعل اشیا، خسارت از وضع خاص اشیا تولید می‌شود، اما درواقع دارنده یا صاحب آنها مسئولیت‌شان را می‌پذیرد. مهم‌ترین اشیایی که در اختیار محیط‌بانان و جنگل‌بانان قرار می‌گیرد، اسلحه است و نیز وسیله نقلیه‌ای که سازمان در اختیار محیط‌بان رانده قرار می‌دهد. وظیفه نگهداری از اسلحه بر عهده محیط‌بان و جنگل‌بانی است که آن را در اختیار داشته است. به‌موجب بند ۱۱ ماده ۹ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست، یکی از وظایف محیط‌بانان نگهداری از تأسیسات و اموال دولتی است که در اختیاردارند؛ بنابراین اگر به‌دلیل تقصیر محیط‌بان و جنگل‌بان در نگهداری از اسلحه، خسارتی به محیط‌زیست یا اشخاص ثالث وارد شود، محیط‌بان و جنگل‌بان، خود، مسئول جبران خسارت وارده است. به همین نحو اگر محیط‌بان رانده، در نگهداری از وسیله نقلیه کوتاهی کند و در اثر این امر خسارتی وارد شود، باید این خسارت را جبران کند. اما با توجه به این‌که محیط‌بان و جنگل‌بان کارمند دولت شمرده می‌شوند، گفته شده است، در صورتی که کارمند با ماشین دولت با دیگری تصادف کند، دولت به عنوان دارنده اتومبیل مطابق قانون بیمه اجباری وسائل نقلیه موتوری زمینی مسئول است و این دفاع که بر طبق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی راننده خط‌کار مسئول است و دولت ضامن کار او نیست، پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا قانون بیمه اجباری، قانون جدید و خاص است و حکم عام ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در چنین وضعیتی، مانع اجرای حکم خاص (مسئولیت) دارنده نیست (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۴۵۶).

### نامشروع بودن فعل زیان‌بار محیط‌بان و جنگل‌بان

گفتنی است، در هر زمینه که کاری به دیگران زیان برسد، مسئولیت مدنی ایجاد نمی‌شود، بلکه باید کار زیان‌بار از نظر اجتماع ناهنجار باشد و اخلاق عمومی و رود ضرر را ناشایست بداند (همان: ۲۷۱). با وجود بدیهی بودن این اصل و برای رفع ابهام احتمالی لروم این شرط، از ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی استفاده می‌شود که مقرر شده است «هر کس بدون مجوز قانونی عمدآً یا درنتیجه بی‌احتیاطی به جان، سلامتی، مال، آزادی، حیثیت، شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به‌موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود

وجودی باشد (باریکلو، ۱۳۸۵: ۸۳)؛ مانند این‌که محیط‌بانی مبادرت به شکار، یا جنگل‌بانی مبادرت به چاقاق الوار جنگلی کند. در این شرایط یک عمل مثبت و وجودی رخداده که فرد عامل آن را انجام داده است و عرف نیز او را انجام دهنده عمل زیان‌بار تلقی می‌کند؛ بنابراین در این موارد شکی نیست که فعل زیان‌بار محقق شده است و با احراز دیگر شرایط، محیط‌بان و جنگل‌بان مسئول به شمار می‌آیند. اما پرسش این است که آیا اگر ترک فعل کسی موجب ضرر به دیگری شود، باز هم شخص ترک‌کننده مسئول است یا خیر؟ در پاسخ گفته شده است در این فرض نیز اگر ترک فعل در خلال انجام عمل صورت بگیرد و عرف انجام عمل را وظیفه مسلم بداند، انجام ندادن یا ترک فعل نیز یک عمل وجودی عرفی تلقی می‌شود (همان: ۸۴). برای نمونه همان‌گونه که قبل نیز اشاره شد، از جمله وظایف محیط‌بانان این است که در حوزه استحفاظی خود کلیه رویدادهای که منجر به تغییر و دگرگونی محیط‌زیست می‌شود، از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طغیان رودخانه، زلزله، بیماری و مرگ و میر حیوانات وحشی، بروز آفات گیاهی، آلودگی‌های مختلف زیست‌محیطی، چرای بی‌رویه دام، بریدن و نابودی درختان، بوته کنی و غیره را به مقام مافوق گزارش دهند.<sup>۴</sup> حال اگر یکی از این وقایع در حوزه استحفاظی محیط‌بانی رخ دهد، اما او با وجود آگاهی از آن واقعه، آن را به مقام مافوق خود گزارش ندهد و در اثر این ترک فعل، آسیبی به محیط‌زیست وارد شود، بدون شک این محیط‌بان مسئول کوتاهی و تقصیر خود است.

فعل زیان‌بار به اعتبار فاعل مستقیم آن به چند دسته تقسیم می‌شود که در خصوص محیط‌بانان و جنگل‌بانان و با توجه به اختصار بحث، به دو مورد فعل شخص و فعل اشیا اشاره می‌کنیم.

### فعل شخص

مقصود از فعل شخص حالت طبیعی فعل زیان‌بار است. در این حالت شخص یا اشخاص با فعل خود موجب ورود ضرر به دیگران می‌شوند. نظریات و قواعد مسئولیت مدنی در فعل شخص جریان پیدا می‌کند؛ به این معنی که نظریه اصلی حاکم، نظریه تقصیر است و نظریات دیگر در شرایط خاص و مشخص درباره این نوع از فعل زیان‌بار حاکم می‌شوند (ره پیک، ۱۳۹۰: ۴۳).

<sup>۴</sup>. بند ۲ ماده ۹ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست

می‌داند. ثالثاً روابط انسانی و بهخصوص اجتماعی ایجاب می‌کند که افراد به این مطلب آگاه باشند که در صورت حمله و تهاجم ناعادلانه، دیگران ساكت نخواهند ماند و قانون نیز این (دیگران) را چنانچه در شرایط دفاع مشروع باشند، مجازات نخواهد کرد (نور بها، ۱۳۸۵: ۲۵۸).

ماده ۱۵ قانون مسئلیت مدنی در این زمینه می‌گوید «کسی که در مقام دفاع مشروع موجب خسارت بدنی یا مالی شخص متعدى شود، مسئول خسارات نیست، مشروع بر این که خسارت واردہ بر حسب متعارف مناسب با دفاع باشد».

ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی جدید در زمینه دفاع مشروع مقرر می‌دارد «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتكب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجرم محسوب نمی‌شود: رفتار ارتکابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد؛ دفاع مستند به قراین معقول یا خوف عقلایی باشد؛ خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد؛ توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود».

برای تحقق دفاع مشروع شرایط و مقدماتی لازم است: اول اینکه دفاع باید برای مقابله با حمله باشد و گرنه دفاع پیش‌دستانه را نمی‌توان دفاع مشروع تلقی کرد؛ دوم، حمله نیز باید نامشروع باشد. درواقع مطابق ماده یادشده، عمل باید جرم به حساب آید؛ بنابراین اگر کسی در مقام مقابله با حمله پلیس، خسارته وارد کند، مسئول جبران خسارات است. همچنین حمله موردنظر باید قطعی یا در شرف وقوع باشد؛ اما اگر حمله یک امر احتمالی یا برای آینده دور است، نمی‌توان دفاع مقدماتی انجام داد. البته دفاع کننده باید راه دیگری به‌جز دفاع داشته باشد. همچنین مهم‌ترین شرط دفاع مشروع، تناسب است. تمامی اقدامات دفاع کننده باید مناسب با شرایط و حمله باشد. بر اساس مجموعه مقررات و قوانین، دفاع ممکن است در برابر حمله انسان یا حیوان صورت بگیرد (ره پیک، ۱۳۹۰: ۷۹)؛ بنابراین در چنین شرایطی می‌توان اقدامات محیط‌بازان و جنگل‌بازان را دفاع مشروع شمرد:

در برابر انسان، اول: با توجه به این که در شغل محیط‌بازان و جنگل‌بازان رویارویی محیط‌بازان و جنگل‌بازان با شکارچیان و

مسئلول جبران خسارت ناشی از عمل خود است». از عبارت بدون مجوز قانونی، به‌کاررفته شده در این ماده، استفاده شده که لازم است فعل زیان‌بار نامشروع باشد (باریکلو، ۱۳۸۵: ۸۵). بعضی از حقوق‌دانان ضمن این‌که شرط نامشروع بودن فعل موجب ضمان را ضروری می‌دانند، معتقدند لزومی ندارد نص قانون فعل، موجب ضمان را منع صریح کنند، بلکه کافی است عرفان فعل ضرری یا قابل سرزنش به‌حساب آید. درنتیجه اعمال خلاف نظم عمومی و اخلاق حسن جزء اعمال نامشروع شمرده می‌شوند (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۱۰۷). همچنین باید توجه داشت برخی از حقوق‌دانان معتقدند که فعل زیان‌بار، اعم از این‌که مشروع یا نامشروع باشد، ضمان آور است (باریکلو، ۱۳۸۵: ۸۵)، زیرا افزون بر اینکه مشروعیت فعل انجام دهنده نباید موجب تضییع حق جبران خسارت زیان‌دیده شود، ادله لزوم جبران خسارت واردہ به غیر عام است و مقید به عدم مشروعیت نشده است؛ اما همان‌گونه که قبل نیز گفته شد، هرگونه عملی که در اجتماع انجام می‌گیرد، باعث مسئلیت مدنی نمی‌شود، چراکه در غیر این صورت نظم اجتماع برهم می‌خورد، زیرا گاهی لازمه زندگی اجتماعی است که از عمل فرد یا گروهی به دیگری ضرری وارد شود؛ بنابراین برای این‌که بتوان محیط‌بازان و جنگل‌بازان را مسئول شناخت، باید عملی که از آن‌ها سرزده و باعث ورود زیان شده است، نامشروع باشد. در ادامه بحث از نامشروع بودن فعل زیان‌بار محیط‌بازان و جنگل‌بازان، ضروری است عواملی را بررسی کنیم که فعل آنان را موجه می‌نماید. در این راستا دو علت موجه فعل زیان‌بار، یعنی دفاع مشروع و حکم قانون یا امر آمر قانونی را بررسی می‌کنیم، زیرا این دو علت در شغل محیط‌بازان و جنگل‌بازان اهمیت بیشتری از بقیه عوامل توجیه‌کننده دارد و به‌منظور رعایت اختصار ترجیح می‌دهیم به این دو پردازیم و بقیه را به کتاب‌های مسئلیت مدنی واگذار می‌کنیم.

## الف) دفاع مشروع

با توجه به دفاع مشروع درمی‌یابیم که بشر تا حد امکان در مقابل عملی که ناعادلانه و غیر مشروع شناخته شده است، سر تسلیم فرود نیاورده، دفاع در برابر چنین عملی را جزو حقوق طبیعی خود به شمار می‌آورد؛ زیرا اولاً انسان به پیروی از غریزه هنگام خطر به مقابله به‌مثل می‌پردازد. ثانياً آن را نوعی حق برای خود و نوعی تکلیف نسبت به دیگران

اشاره کنیم. آیت الله مکارم شیرازی در طی یک استفتاییه در خصوص ارتکاب قتل محیط‌بانان در حوزه فعالیتشان بیان داشته‌ند: «اگر به محیط‌بانی حمله‌ور شده و هیچ راهی برای دفاع از خود غیرازایین راه نداشته باشد، خون مقتول هدر است.»

در برابر حیوان: با در نظر داشتن این‌که محل خدمت محیط‌بانان و جنگل‌بانان اغلب جنگل‌ها، تالاب‌ها، پارک‌های ملی، پناهگاه حیات‌وحش و مناطق حفاظت‌شده است، امکان تهدید آنان از ناحیه حیوانات وحشی وجود دارد. ماده ۳۳۰ قانون مدنی در این راستا مقرر می‌دارد: «اگر کسی حیوان متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده و کشته آن را بدهد ولی اگر برای دفاع از نفس بکشد یا ناقص کند، ضامن نیست.» همچنین بر اساس ماده ۲۸ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست «علاوه بر موارد فوق، استفاده از سلاح سازمانی توسط مأموران گارد در مقابل حمله حیوانات وحشی که امکان توسل به وسائل و شیوه‌های دیگر جهت نجات مأمور وجود نداشته باشد، مجاز است؛» بنابراین در زمان رویارویی با حیوانات وحشی و با رعایت شرایط، اگر دفاع مشروع باعث مرگ یا آسیب حیوان دیگر بشود، محیط‌بانان و جنگل‌بانان در مقابل دولت مسئولیتی ندارند. البته باید در نظر داشت که دفاع مشروع در برابر گونه‌های حیوانی کمیاب و حفاظت‌شده که محیط‌بانان مسئول حفظ آنان می‌باشند، با دفاع مشروع در مقابل حیوانات عادی کمی متفاوت است.

## ب) حکم قانون یا مقام صالح

در صورتی که شخص به حکم قانون سبب ورود زیان به دیگری شود، مسئولیتی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۷۵). بند ۴ ماده ۹ دستورالعمل خدمتی گارد محیط‌زیست، یکی از وظایف محیط‌بانان را این‌گونه بیان کرده است: «اقدام در زمینه کشف جرائم و دستگیری متخلفین بر اساس دستورالعمل‌های صادره.» همچنین ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و ماده ۱۵ قانون حفاظت دادگستری معرفی می‌کند؛ بنابراین اگر محیط‌بان و جنگل‌بان در راستای انجام وظیفه ضابط دادگستری، یا اگر محیط‌بان در اجرای بند ۴ ماده ۹ دستورالعمل یادشده کسی را دستگیر کند، کار وی قانونی است و جرم شمرده نمی‌شود.

قاچاقچیان امری اجتناب‌ناپذیر است، در این صورت عمل محیط‌بان و جنگل‌بان در صورتی دفاع مشروع شمرده می‌شود که نخست حمله رخداده باشد یا از اوضاع واحوال چنین برداشت شود که حمله قریب الوقوع است؛ بنابراین اگر محیط‌بانی صرف دیدن این‌که یک شکارچی در حال حمله به وی است، به او آسیبی وارد کند، مسلم است که عمل او دفاع مشروع به شمار نمی‌آید. درواقع تصوّر و توهّم دفاع مشروع را نمی‌توان دفاع مشروع شمرد.

دوم: این‌که محیط‌بان نباید راه دیگری جز دفاع داشته باشد، بنابراین اگر وی بتواند قوای عمومی را آگاه کند، نباید دفاعی انجام دهد که به آسیب رساندن به شکارچی بینجامد. سوم: این‌که حمله و دفاع باید متناسب باشند. برای نمونه اگر شکارچی مسلح باشد و با اسلحه با محیط‌بان درگیر شود، محیط‌بان می‌تواند ضمن رعایت کردن شرایطی که در قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری مقرر است، با سلاح از خود دفاع کند. ماده ۳ همین قانون در این زمینه مقرر می‌دارد: «مأموران انتظامی در موارد زیر حقّ به کارگیری سلاح را دارند: ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید؛ ۲- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع واحوال طوری باشد که بدون به کارگیری سلاح مدافعت شخصی امکان نداشته باشد؛ بنابراین مطابق این بند در شرایطی که چند نفر شکارچی یا صیاد بدون سلاح حمله کنند، اما اوضاع واحوال به نحوی باشد که حتّماً باید سلاح به کار رفته برد شود، اگر محیط‌بان سلاح به کار ببرد، دفاع مشروع محسوب می‌شود و اگر به این وسیله خسارتی وارد کند، مسئول نیست؛ ۳- در صورتی که مأموران مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده‌اند و جان آنان در خطر است.»

بر اساس تبصره ۳ همین ماده، مأموران مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده کنند اول این‌که چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشند، دیگر این‌که در صورت امکان، مراتب: (الف) تیر هوایی، (ب) تیراندازی کمر به پایین، (ج) تیراندازی کمر به بالا را رعایت کنند؛ بنابراین، در صورتی که محیط‌بان و جنگل‌بان را رعایت این شرایط آسیبی به دیگری وارد کنند، مسئول نیستند. در اینجا لازم است به نظر یکی از فقهاء درباره قتل‌هایی که از سوی محیط‌بان صورت می‌گیرد،

دادگستری نیز شمرده می‌شوند و دارای اختیارات ضابطان  
دادگستری هستند.

محیط‌بازان و جنگل‌بازان مطابق قانون به کارگیری سلاح  
می‌توانند هنگام کار در محدوده این قانون از سلاح استفاده  
کنند.

با توجه به این امر که محیط‌بازان و جنگل‌بازان کارمند  
دولت شمرده می‌شوند، با استناد به قانون مسئولیت مدنی  
در صورتی که به عمد یا در اثر بی‌احتیاطی به مناسبت  
انجام وظیفه، خسارتی را وارد کنند، خود مسئول جبران  
خسارت وارده می‌باشند و فقط در صورتی اداره مسئول  
است که ایجاد خسارت، ناشی از نقص وسائل آن اداره  
باشد.

با وجود این که نظریه رایج در خصوص مبنای مسئولیت  
مدنی در خسارات زیست‌محیطی نظریه مسئولیت مطلق  
است، با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و نیز  
موقعیت دشوار شغل محیط‌بازان و جنگل‌بازان، بهتر است  
مبنای مسئولیت مدنی محیط‌بازان و جنگل‌بازان، نظریه تقصیر  
در نظر گرفته شود.

## منابع

- انصاری، مهدی (۱۳۸۲). «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه قم.
- ؛ کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). «مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۲۸. شماره ۲.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵). مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- بهادری چهرمی، علی؛ رستمی، ولی (۱۳۹۱). «مسئولیت مدنی دولت». پژوهش نامه حقوق اسلامی. سال ۱۳. شماره ۱.
- بندرچی، محمد رضا (۱۳۸۳). «حفظاًت از جنگل‌ها و مراتع در حقوق کیفری ایران». کتاب حقوق محیط زیست و قوه قضائیه. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- خالقی، علی (۱۳۸۸). آین دادرسی کیفری. تهران: انتشارات شهر دانش.
- رجی، عبدالله (۱۳۸۸). «بررسی معیارهای ویژه در طراحی نظام مسئولیت مدنی زیست‌محیطی». کتاب حقوق محیط زیست؛ نظریه‌ها و رویه‌ها. تهران: انتشارات خرسندی.
- ره پیک، حسن (۱۳۹۰). حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها.

## رابطه سببیت بین فعل محیط‌بازان و جنگل‌بازان و ضرر وارده

بدیهی است که صرف وجود یک فعل و ضرر نمی‌تواند مسئولیتی را بر عهده محیط‌بازان و جنگل‌بازان قرار بدهد. اما در صورتی که بین فعل و ضرر یک رابطه عرفی وجود داشته باشد، مسئولیت نیز محقق می‌شود. دشوارترین مسئله حقوق و حتی علوم انسانی، یافتن رابطه سببیت میان پدیده‌های دشوارترین مسئله حقوق و حتی علوم انسانی، عمل زیان‌بار شخص و زیان وارده به دیگری از مهم‌ترین مسائل مسئولیت مدنی که در زمینه فعالیت‌های زیست‌محیطی با دشواری بیشتری رویرو است؛ چراکه ممکن است زیانی برای بشر ناشناخته باشد و نتواند سبب آن را به راحتی شناسایی کند یا این که آثار آن سالیان سال به طول انجامد و آشکار نشود. همین ویژگی است که باعث شکست بسیاری از دعاوی زیست‌محیطی شده است (رجی، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

در زمینه‌ای که تقصیر، شرط ایجاد مسئولیت نیست، رابطه سببیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و اثبات وجود آن نیز دشوارتر است؛ زیرا جایی که تقصیر از ارکان مسئولیت است، فقط به حوادثی توجه می‌شود که در اثر بی‌احتیاطی و تقصیر شخص رخداده و زیان را به بار آورده است. اما در شرایطی که این عنصر نیز در محدود کردن حوادث مؤثر در ایجاد ضرر به کار نیاید، دادرس ناچار باید از میان همه اسباب و شرایطی که باعث ایجاد ضرر شده است، علت اصلی را بیابد. در مردمی که مسئولیت ناشی از فعل شخص است، باید رابطه سببیت بین تقصیر خوانده و ورود ضرر اثبات شود؛ اما در فرضی که مسئولیت از فعل غیر به وجود می‌آید، احراز رابطه به این شکل ضرورت ندارد، ولی باید ثابت شود که میان فعل یا تقصیر کسی که مسئولیت کارهایش به عهده خوانده است و ورود ضرر، رابطه سببیت وجود داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۶۶)؛ بنابراین باید رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار محیط‌بازان و جنگل‌بازان و ضرر وارده وجود داشته باشد تا بتوان او را مسئول دانست و اگر این رابطه به هر علت متفق باشد، مسئولیت مدنی محیط‌بازان و جنگل‌بازان نیز متفق خواهد بود.

## بحث و نتیجه‌گیری

از مطالبی که گفته شد، این موارد را می‌توان نتیجه گرفت: محیط‌بازان و جنگل‌بازان که به موجب قانون، مأمور حفظ محیط‌زیست و جنگل‌ها هستند، در صورتی که آموزش‌های لازم را زیر نظر دادستان فراگرفته باشند، ضابط خاص

- دولت در فقه اسلامی و حقوق موضوعه». *فصلنامه مفید*. شماره ۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *الزامات خارج از قرارداد*. ضمان تهری، غصب و استیفا. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۳۸۹). *مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست و تعالی همه‌جانبه کشور*. سازمان حفاظت محیط زیست. تهران: انتشارات خرسنده.
- نائینی، میرزا محمد حسین (۱۴۱۸). *منیة الطالب*. قم: مؤسسه نشرالاسلامی.
- نوربهه رضا (۱۳۸۵). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ شانزدهم. تهران: نشر دادآفرین.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۶). *حقوق مدنی، قلمرو مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات اربستان.
- شیروانی، خدیجه (۱۳۹۲). «بررسی نظام حقوقی حاکم بر اختیارات و مسئولیت مدنی محیط‌بنا و جنگل‌بنا». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه قم.
- فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۱). *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ؛ مشهدی، علی (۱۳۸۳). «ضرورت تحول در مبانی مسئولیت مدنی نسبت به محیط زیست (رهیافتی اسلامی)». *کتاب حقوق محیط زیست و قوه قضاییه*. تهران: انتشارات برگ زیتون.
- قوام، میر عظیم (۱۳۷۵). *حمایت کیفری از حقوق محیط زیست*. تهران: انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست.
- قربانی، ناصر (۱۳۸۸). «مطالعه‌ای پیرامون مسئولیت مدنی